

تبیین رابطه اعتماد و مشارکت سیاسی و نگرش نسبت به دموکراسی با تأکید بر امنیت (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور)

عباسعلی رهبر^۱

علی ذوالفقاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۱

چکیده

امنیت و احساس امنیت مفهوم چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور می‌کند و منابع تأمین‌کننده احساس امنیت نیز برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت از همدیگر است. یکی از عوامل مهمی که در تأمین امنیت شهروندان مؤثر است؛ اعتماد و به تبع آن مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. هدف پژوهش بررسی رابطه اعتماد و مشارکت سیاسی بر نگرش به دموکراسی بین دانشجویان با تأکید بر مقوله امنیت است. در این مطالعه، سرمایه اجتماعی در قالب چهار بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و آگاهی بررسی گردیده و تأثیر هر یک از این ابعاد بر نگرش به مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی با تأکید بر امنیت سنجیده شده است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور در جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهند. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایشی است و از روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته توأم با مصاحبه داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر است. داده‌های آماری پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری و روش هم‌بستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داده که با توجه به اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، میزان ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر یادشده معادل با ۰.۱۸۴ است و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۱ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ آماری رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، نگرش به دموکراسی

۱. دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (Ab.Rahbar@yahoo.com)

۲. دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، نویسنده مسئول (Alizolfaghariupm@gmail.com)

مقدمه

نقش و اهمیت حکومت در جوامع گوناگون بر کسی پوشیده نیست. در جوامع جدید، حکومت در عرصه‌های گوناگون زندگی مردم وارد می‌شود و نقش‌های متفاوتی بر عهده می‌گیرد. با توجه به رابطه تنگاتنگی که میان حکومت و مردم به وجود آمده است، وجود اعتماد میان این دو بخش از جامعه به‌ویژه اعتماد مردم به حکومت از امور بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ به‌طوری‌که بین میزان اعتماد مردم و مسئله مقبولیت حکومت به‌خصوص در جوامعی که نگرش به دموکراسی بر آن‌ها حاکم است، رابطه مستقیم و آشکاری وجود دارد. افزایش اعتماد و مشارکت سیاسی در ابعاد امنیتی موجب اجرای بیشتر قوانین و مقررات مصوب توسط دولت، حمایت و پشتیبانی از نظام سیاسی و کنشگران، پرداخت به‌موقع عوارض و مالیات و مقاومت، ایستادگی در مقابل تهدیدات خارجی و نیز حمایت از مواضع کلی دولت، اصل و اساس نظام و مقبولیت قانون اساسی می‌شود و اگر مردم یک جامعه به مسئولان خود اعتماد لازم را نداشته باشند، اقبال لازم را نسبت به قوانین تصویبی و عملکردهای گوناگون از خود نشان نمی‌دهند (سرای و صفیری، ۱۳۸۸: ۷۲). با این اوصاف، هدف تحقیق حاضر برای شناخت سنجش تأثیر اعتماد و مشارکت سیاسی بر نگرش به دموکراسی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور مبتنی بر مقوله امنیت است. امنیت و احساس امنیت را چه مفهوم سیاسی و حکومتی تلقی کنیم و چه آن را به‌عنوان پدیده سیاسی و در معنایی عام در نظر بگیریم که همه افراد جامعه در ساخت و حفظ آن مشارکت دارند، با مفهوم اعتماد مرتبط است. از آنجاکه اعتماد، پیش‌شرط هر تعامل سیاسی مؤثر محسوب می‌شود و می‌تواند تعامل را از فروغلتیدن در چاه رفتار نابهنجار بازدارد، باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌شود و در چنین شرایطی اعضای جامعه از جمله زندانیان برای حرکت موفقیت‌آمیز اقتصادی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی با احساس امنیت شروع به فعالیت می‌کنند؛ شرط اساسی یک جامعه سالم اعتماد اجتماعی متقابل بین مردم و مسئولان است.

بیان مسئله

اعتماد شالوده زندگی و بی‌اعتمادی سرچشمه نارضایتی، بی‌ثباتی، بی‌تفاوتی و رواج دروغ و نادرستی در جامعه است. در جامعه‌هایی که اعتماد در حد مطلوب وجود دارد، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس درک و همدلی است تا احساس بیم و ترس. اعتماد به‌نظام‌های تخصصی، اعتماد به‌نظام‌های سیاسی در مشارکت‌های سیاسی، اعتماد به‌نظام‌های اجتماعی در ارتباطات و پیوندهای گوناگون انسانی و ... همگی نشان از ضرورت وجود این حس اساسی برای انسان امروزی است (آجرلی و مشهدی، ۱۳۹۲: ۲). اعتماد و امنیت، خطر کردن و در معرض خطر قرار

گرفتن چیزهایی هستند که به مناسبت‌های تاریخی مختلف در جامعه متجدد وجود داشته است و دارد. اعتماد و مخاطره، امنیت و خطر، این مقوله‌های دوقطبی و تعارض‌آمیز مدرنیت در همه جنبه‌های زندگی روزانه تأثیر می‌گذارد و بار دیگر درهم‌تنیدگی خارق‌العاده موقعیت محلی و جهانی را نشان می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۹). در کنار بسیاری از کنشگران، گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی که برای بقای کارکردی خود به امنیت و احساس امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز دارند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۶۸).

به عبارت دیگر، افزایش اعتماد سیاسی در ابعاد امنیتی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود و در عوض، کاهش آن موجب حمایت و پشتیبانی نکردن مردم از مسئولان، رعایت ننمودن قوانین و مقررات مگر به (اجبار)، حمایت ننمودن از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود؛ به همین دلیل، اعتماد سیاسی مبتنی بر نگرش به دموکراسی همیشه یکی از کانون‌های توجه مسئولان بوده است و به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امنیت از لحاظ لغوی از ریشه امن به زبان عربی اخذ شده که در فارسی از آن مصدر جعلی ساخته شده است. فرهنگ لغت لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اعتماد، آرامش روحی و روانی است، تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود، فقدان مخاطرات» فرهنگ لغت معین امنیت را چنین معنا می‌کند: ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی. از سوی دیگر، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی امنیت را چنین تعریف می‌کند «بی‌خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگه‌داشتن» (نوروزی، ۱۳۷۴: ۱۷).

از آن سو، بیشتر جامعه‌شناسان مفهوم امنیت را به‌طور کامل نادیده می‌گیرند و بر واژگانی همچون «قدرت، اقتدار، نظم و کنترل» متمرکز می‌شوند. آنان بر مواردی مانند فرایندهای انتخاباتی گروه‌های ذی‌نفوذ، سازمان‌دهی و جامعه‌پذیری تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، علمای سیاست چنین می‌پندارند که مفهوم «امنیت» اساساً به معنای بقای دولت ملی است و بدین‌سان، خود را با تلاش برای تعریف تفصیلی آن آزار نمی‌دهند؛ اما در مقابل می‌پندارند: امنیت به حفظ تمامیت و حرمت دولت و حراست از ارزش‌های ملی در مقابل دشمنان خیالی یا واقعی مربوط می‌شود؛ بنابراین، امروزه باوجود تلاش‌های فراوان برای ارائه تعریفی مشخص از امنیت ملی، اختلاف‌نظر درباره آن و ابزار تأمین آن وجود دارد؛ زیرا امنیت ملی یکی از

پیچیده‌ترین بحث‌ها در عرصه سیاسی است تا جایی که عده‌ای آن را امری ذهنی برمی‌شمردند و ذهنی بودن آن را نیز ناشی از چهار امر می‌دانند:

- میزان اعتباری که نخبگان یک کشور برای نیروهای تهدیدکننده قائل می‌شوند؛
 - میزان ارتباطی که آنان می‌توانند با عامل یا عوامل تهدید برقرار سازند؛
 - توانایی (محدودیت و مقدرات) خودی در رویارویی با دیگری؛
 - میزان درجه، اعتبار، فوریت، اولویت، مرکزیت ارزش‌ها و منافع مورد تهدید (رنجبر، ۱۳۷۸: ۲۳).
- همچنین، احساس امنیت به معنای فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۹)؛ به عبارت دیگر احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات سیاسی خطری، جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تأمین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و ... تأمین می‌شود؛ بنابراین درجه اعتمادورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌گردد (گروسی، ۱۳۸۶: ۳۰).
- احساس امنیت مفهوم چندبعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور می‌کند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت نیز برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت از همدیگر است (ولفرز، ۱۹۶۲: ۴۶). این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار هستند. در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشک‌سالی، زلزله، سیل و سقوط نهادهای سیاسی حکومت از عمده منابعی هستند که احساس امنیت در افراد را شکل می‌دهند. در سطح میانی، روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، کارکرد نیروی انتظامی، ارتش، قوه قضائیه، نظام پولی، نظام شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی، عمده منابعی هستند که احساس امنیت را در افراد شکل می‌دهند. در سطح خرد، روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل، عمده منابعی هستند که احساس امنیت در افراد و خانواده‌ها را شکل می‌دهند (دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰: ۷۹).

هدف، سوال و فرضیه پژوهش

هدف پژوهش: بررسی رابطه بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی بین دانشجویان دانشگاه سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی

سوال پژوهش: آیا بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی بین دانشجویان دانشگاه سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد؟

فرضیه پژوهش: بین مشارکت و اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد.

- ۱- بین مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش

بیشتر تحقیقات نگارش یافته پیرامون اعتماد و مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی در ابعاد امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، به‌طور مشخص به بررسی اعتماد و مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند. با این حال، آثار گسترده‌ای درباره «اعتماد و مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی در ایران» نگارش یافته و منتشر شده است.

گروسی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی ابعاد مختلف امنیت اجتماعی (احساس) خانواده‌های ساکن محلات شهر کرمان و عوامل مؤثر بر آن انجام داده است. پژوهش با هدف شناسایی چگونگی احساس امنیت در بین خانواده‌های ساکن محلات مختلف شهر کرمان و عوامل مؤثر بر آن با روش پیمایش و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته با روایی و پایایی مناسب بین نمونه ۴۰۰ نفری از خانواده‌های شهر کرمان انجام شده است. بیشتر پاسخگویان یعنی تعداد ۳۱۵ نفر معادل ۷۸/۸ درصد احساس امنیت جانی خود و خانواده‌شان را در حد متوسط بیان نموده‌اند و ۱۸ درصد احساس امنیت جانی خود و خانواده‌شان را کم و تنها ۳/۳ درصد احساس امنیت جانی خود و خانواده‌شان را زیاد ارزیابی نموده‌اند. ۶۲ درصد احساس امنیت مالی خود و خانواده‌شان را در حد متوسط بیان نموده‌اند و ۳۵/۵ درصد احساس امنیت

مالی خود و خانواده‌شان را کم و تنها ۲/۵ درصد احساس امنیت مالی خود و خانواده‌شان را زیاد ارزیابی نموده‌اند. معادل ۶۵/۳ درصد بیان نموده‌اند که احساس امنیت اخلاقی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان کم است و ۳۳/۸ درصد احساس امنیت اخلاقی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان را متوسط و تنها ۱ درصد پاسخگویان احساس امنیت اخلاقی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان را زیاد ارزیابی نموده‌اند. ۶۵ درصد احساس امنیت اخلاقی درون خانواده خود و خانواده‌شان را در حد متوسط بیان نموده‌اند و ۳۰/۵ درصد احساس امنیت اخلاقی درون خانواده خود و خانواده‌شان را کم و تنها ۳/۸ درصد پاسخگویان احساس امنیت اخلاقی درون خانواده و خانواده‌شان را زیاد ارزیابی نموده‌اند. معادل ۶۹/۵ درصد احساس امنیت عاطفی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان را در حد متوسط بیان نموده‌اند و ۲۲/۸ درصد احساس امنیت عاطفی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان را زیاد و تنها ۷/۸ درصد پاسخگویان احساس امنیت عاطفی خارج از خانواده خود و خانواده‌شان را کم ارزیابی نموده‌اند.

دلاور و جهان‌تاب (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی «تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی» می‌پردازند. جمعیت آماری این تحقیق عبارت است از کلیه شهروندان شهر تهران بزرگ که سن آن‌ها بالاتر از ۱۸ سال است که تعداد ۶۶۳ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات یک پرسش‌نامه استاندارد برای سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی و یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای سنجش سرمایه اجتماعی است. روش تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی است. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، پنداشت‌ها)، سرمایه اجتماعی ساختاری (شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماع) و ویژگی‌های فردی شهروندان بر احساس امنیت (جانی، اقتصادی، اجتماعی و نوامیس) است. براساس نتایج تحلیل همبستگی کانونی، از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی، اعتماد اجتماعی از اهمیت بیشتری در تأثیرگذاری بر احساس امنیت برخوردار است و همچنین از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ساختاری، مؤلفه ارتباطات اجتماعی نسبت به مؤلفه شبکه‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیشترین تأثیر را در ساختن این متغیر داشته است.

نیازی و فولادی سپهر (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان (۲۹-۱۵) ساله (مطالعه موردی شهر تهران) انجام داده‌اند. این پژوهش از نوع تبیینی است و در این تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است و نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای احساس امنیت

محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم وجود دارد و متغیر پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده‌ای داشت و مقدار تبیین به‌دست‌آمده این رگرسیون نیز ۳۶ درصد است. بر اساس الگوی نظری این تحقیق، امروزه با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، شاهد حضور گسترده و روزافزون زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستیم؛ اما حضور زنان در جامعه از یک‌سو می‌تواند سبب پیشرفت در زندگی شخصی آن‌ها و در نتیجه در روند جامعه شود، اما از سوی دیگر مشکلات و تبعات فراوانی را نیز به همراه خواهد داشت که یکی از این مشکلات احساس ناامنی آن‌ها در جامعه است.

ملکی‌زاده با روش کتابخانه‌ای تأثیر اعتماد سیاسی بر توسعه سیاسی را بررسی کرده و در بخشی از تحقیق با توضیح قابلیت‌های نظام سیاسی به این نتیجه می‌رسد که تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع خدمات و امکانات و قدرت، اعتماد مردم را به دولت کاهش می‌دهد؛ در مقابل، هر چه توانایی دولت در تنظیم قدرت، ارزش‌ها و ارتباط اجتماعی بیشتر باشد، اعتماد مردم به دولت بیشتر می‌شود. همچنین، عواملی چون: ارتباط بیشتر دولت با مردم، نحوه اجتماعی شدن مردم، میزان آگاهی مردم نسبت به جنبه‌های مختلف نظام و وجود فضایی امن در زمینه‌های گوناگون، استقلال، امنیت و نیز آزادی در حد معقول بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار است (ملکی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

«روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران» موضوعی است که نادر مهرگان، حسن دلیری و سارا شاهنواز در بررسی خود بدان پرداخته‌اند. آن‌ها با بررسی سیر روند تاریخی سرمایه اجتماعی می‌افزایند: تجارب تاریخی جامعه ایران، به‌ویژه در دوران معاصر نشان می‌دهد که در ایران، سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در حوزه رابطه بین دولت و ملت، غالباً ضعیف بوده است (دلیری، مهرگان و شاهنواز، ۱۳۹۲: ۲۵۰).

در این زمینه، به‌ویژه، محمدعلی کاتوزیان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی ایران را فقدان رابطه دموکراتیک بین دولت و ملت ایران می‌داند. مسلماً یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی وجود تشکلهای مدنی، امنیت، آزادی، اعتماد مقابل بین دولت و ملت و به‌طور کلی، وجود سرمایه اجتماعی در سطوح اجتماعی کلان جامعه است. درحالی‌که در جامعه معاصر ایران ضروریات مذکور برای توسعه ایران وجود نداشته است (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۵۰).

پژوهشی که در مورد اعتماد عمومی به سیاست و دیگر سازمان‌ها در استرالیا صورت گرفته، نشان داده که برای مطالعه اعتماد سیاسی در استرالیا باید به رشد سرمایه اجتماعی توجه کرد. کسانی که سطح بالایی از اعتماد به دیگران دارند و نیز رضایت از زندگی آن‌ها بالاست و از نظر

مالی تأمین هستند، اعتماد بیشتری به حکومت و سایر نهادها دارند. همچنین تحقیق نشان داد که بین اعتقادات مذهبی و اعتماد به نهادها و نظم ملی هم رابطه وجود دارد. محقق معتقد است کاهش اعتماد در یک جنبه از حکومت، به جنبه‌های دیگر هم منتقل می‌شود و نیز ثابت می‌کند که بین سیستم دموکراتیک و اعتماد به حکومت و نیز بین ذی‌نفع بودن در ریاست و نیز سطح سواد هم با اعتماد سیاسی رابطه وجود دارد. همچنین، مشخص شد که ادراک و عقیده ذهنی بیشتر از واقعیت عینی روی اعتماد سیاسی تأثیر دارد (Papadaki: 1999, 237).

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

در ادبیات اعتماد سیاسی، با سه مفهوم اطمینان^۱، اعتماد^۲ و کارایی سیاسی^۳ یا اثربخشی سیاسی مواجه می‌شویم که به احساسات شهروندان درباره اثرات کنش آن‌ها روی حوادث سیاسی می‌پردازد. این مفهوم، نشانگر اعتماد افراد به تأثیرگذاری‌شان بر تغییرات سیاسی و اجتماعی است و نقطه مقابل از خودبیگانگی سیاسی است (سرای و صفیری، ۱۹۷۲ به نقل از پری وایت، ۱۳۸۸: ۷۳). پلیتیکال از نظر سیتزین^۴ به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آن‌ها برمی‌گردد (سرای و صفیری، ۲۰۰۱، به نقل از بروک، ۱۳۸۸: ۷۳). برترز^۵، هم اعتماد سیاسی را به سه بخش اعتماد به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی تقسیم می‌کند (Bretzer, 2002: p7). از سوی دیگر، استون^۶ اعتماد سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که این موضوعات هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه برمی‌گردد. درواقع، اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (Gabrial, 1995: p360) بر اساس تعاریف بالا، تعریف نظری این مقاله از اعتماد سیاسی عبارت است از: میزان نگرش مثبت و عامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه. بر مبنای این تعریف، تعاریف عملیاتی (اعتماد به نظام سیاسی) اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی تدوین گردید.^۷

1. Confidence
2. Trust
3. Political efficacy
4. Citreen
5. Bretzer
6. Stone

۷. برای سنجش میزان (اعتماد به نظام سیاسی) نوع نگرش پاسخ‌گویان به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن از هفت گویه استفاده شد. تعریف نظری (اعتماد به نهادهای سیاسی) در تحقیق حاضر (اعتقاد به توانمندی نهادهای سیاسی در حل مسائل پیش روی کشور و نیز رضایت کلی از عملکرد آن‌ها تا به حال) است. نهادهای سیاسی مورد مطالعه در این تحقیق، با توجه به حیطه وظایف و تأثیری که بر اعتماد سیاسی مردم دارند، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، پلیس، قوه قضائیه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان است که هر یک با دو

در یک جمع‌بندی کلی، پلیتیکال افی‌کی‌لی به احساس توانمندی سیاسی افراد برمی‌گردد و نقطه مقابل از خودبیگانگی سیاسی است. پلیتیکال کانفیدنس بیشتر به نخبگان و رهبران سیاسی می‌پردازد؛ ولی تراست مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنشگران به نهادها و بعضاً به خود نظام سیاسی هم می‌پردازد.

تعاریف و نظریات نگرش به دموکراسی:

می‌توان تعاریف متعددی از نگرش به دموکراسی ارائه داد. دموکراسی واژه‌ای برگرفته از واژه‌های نگرش^۱ به معنای نوع نگاه و دموکراسی^۲ به معنای حکومت مردم بر مردم است. به عبارتی، نگرش به دموکراسی عبارت از نوع تصورات ذهنی، احساسی و عملی نسبت به پدیده دموکراسی است (بهمنر، ۱۳۸۸: ۵۷).

از طرف دیگر نگرش به دموکراسی دربرگیرنده اطلاعات و دانسته‌های فرد در مورد دموکراسی (بعد شناختی)، احساس خوب یا بد، مثبت یا منفی، مفید یا غیرمفید بودن دموکراسی توسط فرد (بعد عاطفی) و آمادگی شخص برای عمل دموکراتیک است (بعد رفتاری).

نظریه نئومارکسیست‌ها پیرامون نگرش به دموکراسی^۳: مارکسیست‌های جدید کمتر علاقه دارند که انتخابات را صرفاً امری دروغین بدانند، چنان‌که کمونیست‌های اروپایی به‌جای انقلاب، اندیشه‌ای صلح‌آمیز و دموکراتیک را به‌عنوان «جاده‌ای به‌سوی سوسیالیسم»^۴ برگزیده‌اند. نئومارکسیست‌هایی چون هابرماس و کلاوس اوفه نیز به تناقض‌ها و بی‌ثباتی‌های ذاتی دموکراسی سرمایه‌داری توجه نشان داده و به‌نقد آن پرداخته‌اند. هابرماس از مدل دیگری به نام دموکراسی مشورتی یا دموکراسی گفت‌وگومانی دفاع می‌کند و آن را در برابر دموکراسی قراردادی لیبرالی که مبتنی بر اکثریت قانونی و برآمده از اجتماع مدنی است قرار می‌دهد؛ چراکه وجوه تکرگرا، چند قومی و جهانی وطنی مدرن نوع دیگری از دموکراسی مبتنی بر عمل گفت‌وگومانی را می‌طلبند که در

شاخص شش‌گویه‌ای سنجیده شدند. کنشگران سیاسی افرادی هستند که یا با انتخاب مستقیم مردم یا انتصاب توسط مسئولان منتخب مردم، مسئولیت اجرایی را در سطوح بالا بر عهده دارند (Bretzer, 2002: p7) با بررسی تعاریف مختلف، تعریف زیر از اعتماد به کنشگران سیاسی را مبنای کار قراردادیم: اعتقاد به اینکه مسئولان سیاسی فعلی کشور شایستگی اداره امور کشور را از نظر تخصص، تجربه، تدبیر و تعهد لازم دارند و در تصمیم‌گیری‌ها منافع عمومی را مدنظر قرار می‌دهند. در واقع کنشگران سیاسی در این تحقیق مسئولان طراز اول کشورند که تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی را انجام می‌دهند. با الهام از نظریه شخصیتی مونچ و چلی، این مفهوم با شاخص سیزده‌گویی‌های از ویژگی‌های شخصی چون هوش، توان اجرا، تعهد عمومی و هویت فردی کنشگران سیاسی سنجیده شد. اعتماد به نهادهای سیاسی با دو شاخص رضایت از عملکرد نهادها و امید نسبت به حل مسائل مربوط به نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، قوه قضائیه، قوه مجریه و پلیس در آینده سنجیده شد. در سنجش اعتماد به کنشگران سیاسی ویژگی‌های مسئولان فعلی در چهار بعد اعتقاد به هوشمندی سیاسی، توانایی، تعهد عمومی و هویت فردی مسئولان سنجیده شد.

1. Attitude
2. Democracy
3. Neo-Marxist Theory
4. Road to Socialism

آن، تغییرات می‌تواند از طریق کنش گفتمانی انجام شود (Harold Birch Brich, etl, 2000: 126).

مدل الیتیستی نگرش به دموکراسی^۱: الیتیست‌هایی چون: پاره تو، موسکا، میخلز نگرش به دموکراسی را چیزی جز پنداره بیهوده می‌دانند، چون قدرت سیاسی به دست اقلیتی صاحب امتیاز یعنی نخبه اعمال می‌شود. از این رو توصیف آن‌ها از مدل نگرش به دموکراسی حاکم، نظام سیاسی الیتیستی است که در آن گروهی از نخبگان قدرت را در دست دارند. نخبه‌گرایان کلاسیک معتقد بودند نگرش به دموکراسی همواره افسانه‌ای بیش نبوده است، اما نظریه پردازان جدید نخبه‌گرا، به دور بودن نظام‌های سیاسی خاص، از ایده‌ال دموکراسی توجه کرده‌اند؛ بنابراین، نظریات الیتیستی، در توصیف واقع‌گرایانه نگرش به دموکراسی آن را چرخش قدرت میان نخبگان و نظام‌های حاکم می‌دانند و در آرای متأخر ایشان، نوعی دموکراسی رقابتی حزبی که در آن نخبه‌گرایی رقابتی حاکم است، قائل هستند که باید آن را مشکلی ضعیف از نگرش به دموکراسی محسوب کرد (کوهن، ۱۳۵۳: ۱۵۶).

نظریه کورپوراتیستی نگرش به دموکراسی^۲: طرفداران این نظریه معتقدند در کورپوراتیسم، سازمان‌های تعیین‌کننده مقام‌های دولتی، گروه‌های استخدام‌کننده و اتحادیه‌ها دولت را هدایت می‌کنند. بروز شکلی از حکومت نمایندگی کارکردی را میسر می‌کند که در آن دیدگاه‌ها و منافع افراد نه با مکانیسم‌های انتخابات رقابتی، بلکه از سوی گروه‌های که به آن تعلق دارند، مطرح می‌شود. به همین دلیل، بین گروه‌ها و منافع عمده اجتماع، برای شکل‌دهی سیاست حکومت، رقابت شکل می‌گیرد. در مقابل، بیشتر مفسران، کورپوراتیسم را مفید برای نگرش به دموکراسی می‌دانند؛ زیرا در این شکل از حکومت، تنها گروه‌های درون حکومت امکان نفوذ سیاسی دارند و گروه‌های بیرونی این امکان را ندارند. از سوی دیگر، این شکل حکومت بیشتر دنبال منافع دولت است تا دیگران (Harold Birch Brich, etl, 2000: 126) بر اساس این نظریه هم می‌توان نوعی دموکراسی نمایندگی قائل شد که البته به دلیل ماهیت دولتی آن، به‌طور اساسی مورد خدشه است.

نظریه کارکردگرایانه نگرش به دموکراسی^۳: کارکردگرایان با طرح نظام‌های سیاسی باز، الگوی مؤثری را در نگرش به دموکراسی مطرح می‌کنند. پارسونز با الهام از وبر، ضمن تأکید بر پایداری خود به نگرش به دموکراسی، از خطرهای تهدیدکننده انتقاد و بر اهمیت پدیده شهروندی برای

1. Elitist Model
2. Corporatism Theory
3. Functionalism Theory

حفظ نظام دموکراتیک تأکید می‌کنند. او از حق رأی، نامزدی نظام‌های انتخابی حق شرکت در احزاب و مشارکت سیاسی به‌عنوان حقوق شهروندی دفاع می‌کند، در الگوی کارکردگرایانه از نگرش به دموکراسی، بر نظام سرمایه‌داری بازار آزاد نیز تأکید می‌شود (Harold Birch Brich, etl, 2000: 126).

نظریه پلورالیستی مبتنی بر نگرش به دموکراسی^۱: مبنای نظریه پلورالیستی در الگوی نگرش به دموکراسی به رسمیت شناختن تکثر گروه‌های سیاسی است. یکی از الگوهای مطرح در این نظریه، الگوی مدیسونی است که در آن نظام حکومت تقسیم شده بر اساس تفکیک قوا پیشنهاد شده که گروه‌های مختلف با هم رقابت می‌کنند (Dahl, 1982: 123) و (Dahl, 1998, 156) و (Dahl, 2003:167).

نظریه راست نو نگرش به دموکراسی^۲: این نظریه بیشتر در تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها شکل گرفته است. نظریه‌پردازان راست نو در توصیف خویش از نظام دموکراتیک، بسیار طرفدار بازار آزاد هستند و بر خطرات کورپوراتیسم تأکید می‌کنند؛ چراکه به سلطه گروه‌های ذی‌نفع بر دولت و افزایش دخالت دولت در اقتصاد و افول اقتصادی می‌انجامد (Harold Birch Brich, etl, 2000: 126).

نظریه دولت حداقل نگرش به دموکراسی^۳: نظریه دولت حداقل و تبیین آن به‌عنوان الگوی دولت با گرایش دموکراتیک، گرایش مسلط نظریه مردم محور مختلفی چون راست نو، محافظه‌کاری، نئولیبرالیسم و نوآنارشیسم است. دولت حداقلی، دولتی است که کمترین دخالت را در حوزه‌های اقتصادی و سپس دیگر حوزه‌ها اعمال می‌کند. چنین دولتی حدود امتیازش به مواردی همچون اعاده نظم، پاسداری از امنیت ملی، نظارت بر قراردادهای، ممانعت از تجاوز به حقوق افراد، حفظ آزادی شهروندان، تضمین امنیت اقتصادی و حفاظت از دارایی‌های خصوصی محدود شده است. (Harold Birch Brich, etl, 2000: 126) با تحدید دخالت‌های دولت در اقتصاد و افزایش کارکردهای جامعه، نظام سیاسی به سمت دموکراتیزه شدن بیشتر، پیش می‌رود. در چنین شرایطی، نقش دولت در نگرش به دموکراسی بیشتر نقش حمایتی است.

نظریات مکاتب اسلامی نگرش به دموکراسی^۴: یکی از مسائل مهم در حوزه اندیشه دینی و حیات سیاسی مسلمانان تبیین جایگاه دموکراسی در اندیشه اسلام است که با توسعه و گسترش جهانی دموکراسی به‌ویژه در دهه‌های گذشته، این نیاز بیش از گذشته احساس

1. Pluralist Theory

2. New-right Theory

3. Minor-State Theory

4. Islamic Schools Theories of Attitude to Democracy

می‌شود. ضرورت اقبال به دموکراسی، اندیشمندان اسلامی را به تکاپو انداخته و موجب شده است که آن‌ها درصدد تبیین جایگاه دموکراسی در اسلام برآمده و در مقام اثبات یا نفی سازگاری اسلام و دموکراسی، نظریه‌پردازی کنند. با عنایت به خصلت متحول و انعطاف‌پذیر مفهوم دموکراسی، نوع برداشت‌ها و تفاسیر اندیشمندان اسلامی نیز از این مفهوم متفاوت است و زبان مشترکی در این خصوص وجود ندارد، اما ضرورت توجه به دموکراسی و ترسیم جایگاه آن در اندیشه اسلامی از دل مشغولی‌های اساسی آن‌ها به‌ویژه در دهه‌های گذشته بوده است. در میان اندیشمندان اسلامی در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد:

یک دیدگاه به دنبال ایجاد تلفیق میان اسلام و دموکراسی است و دیدگاه دیگر اسلام و دموکراسی را دو چیز جدا از هم تلقی می‌کند که ایجاد سازش میان آن دو ممکن نیست. در یک نگاه کلی، دیدگاه صاحب‌نظران دینی را در باب رابطه اسلام و دموکراسی می‌توان تحت دو عنوان «نگرش سنتی»^۱ و «نگرش نوین»^۲ بررسی کرد (موسوی، ۱۳۹۱: ۷۸).

چهارچوب نظری^۳

مشارکت سیاسی موجب افزایش درک سیاسی شهروندان، مسئولیت‌پذیری، تقویت احساس کنترل شهروندان نسبت به نظام سیاسی و تعهدات آنان نسبت به حکومت می‌شود. براین اساس، افزایش مشارکت سیاسی به افزایش منافع ملی و امنیت ملی بستگی دارد. نکته اساسی این است که رفتارهای افراد معنادار است و ما می‌توانیم با تفسیر این رفتارها به چرایی و چگونگی کنش‌های آنان پی ببریم؛ چراکه شناخت اعمال فردی و اجتماعی افراد بر اساس فعالیت فاعلان و پندارهای نهفته در درون و انگیزش‌های نفسانی انجام می‌گیرند؛ بنابراین، مشارکت‌کننده بر اساس انگیزش‌ها و پندار خود رفتار می‌کند. از این رو، مردم بر اساس پندارها، عقاید و ارزش‌های موردنظر خود، تصویری از جامعه در ذهن دارند و می‌توان گفت: تمامی روابط و مناسبات اجتماعی زاییده پندار و متکی بر پندار هستند، اگرچه هر ملتی در هر دوره‌ای پندارهای مخصوص به خود دارد؛ بنابراین، پندار جمعی در قالب مشارکت عمومی تبلور می‌یابد و رفتار

۱. صاحب‌نظرانی که در چهارچوب نگرش سنتی می‌اندیشند، معتقدند می‌توان از متون اسلامی یعنی کتاب و سنت، اصول حقوق و آزادی‌های فردی و دموکراسی را به‌صورت نفی و اثبات جست‌وجو کرد. همچنین، در چهارچوب نگرش سنتی، دو دیدگاه اصلی مطرح است. بر اساس یکی از این دیدگاه‌ها، اسلام با اصول و معانی حقوق بشر، دموکراسی، جامعه مدنی و نهادهای سیاسی و اجتماعی ناشی از آن‌ها سازگار است و بر اساس کتاب و سنت می‌توان درباره حقوق بشر و دموکراسی بحث کرد و آن‌ها را نفی یا اثبات نمود.

۲. نگرش نوین بر آن است که اصولاً نمی‌توان متون اسلامی مبانی و اصول دموکراسی را جست‌وجو کرد و برای رسیدن به این مبانی، تحول پارادیمی ضروری است و این تحول هیچ منافاتی با اصول اولیه اسلام ندارد؛ اما بر اساس نگرش دیگر (نوین) دموکراسی و اصول و مبانی آن فرع بر مبانی معرفت‌شناختی، کلامی، سیاسی و پارادایمی نوینی است که با مبانی معرفت‌شناسی، کلامی و سیاسی و سنتی اسلام قابل جمع نیست.

مشارکت‌کننده بر اساس پندارها و انگیزش‌های خاصی را می‌توان مورد تفسیر قرارداد؛ زیرا رفتار وی معنادار است و بر اساس آن، به عملی خاص مبادرت می‌ورزد؛ به عبارت دیگر، فاعل تصمیم گرفته است بر اساس آگاهی‌های خود و پیش‌فرض‌های ذهنی و نگرش‌ها و انگیزش‌های خویش، اقدامی جمعی و مشارکت‌جویان انجام دهد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این مقوله، می‌توان به رابرت پاتنام^۱ در اثر معروفش در کتاب سنت‌های مدنی و دموکراسی (۱۳۹۲) اشاره نمود. مطالعه پاتنام به همراه دو همکار ایتالیایی‌اش در پی اصلاحاتی انجام شد که حکومت مرکزی ایتالیا برای تمرکززدایی و گسترش دموکراسی از طریق ایجاد حکومت‌های منطقه‌ای صورت داد. وی نتیجه گرفته که هر جا سرمایه اجتماعی از میزان بیشتری برخوردار بوده بر کارایی نهادی و حکومت خوب، تأثیر مثبت داشته است (شیخی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). از سوی دیگر، با توجه به تحلیل و بررسی نظریه‌های سرمایه اجتماعی نظریه دادوستد و بده‌بستان "زیمِل"، نظریه سرمایه مالی بادآورده "برخی از جامعه‌شناسان ایرانی"، لزوم وجود شرایط بحرانی "مارکس"، تأکید بر سرمایه اقتصادی "بوردیو" و رابطه حکومت سیاسی و سرمایه اجتماعی "پوتنام" در حال حاضر به نظر می‌رسد که توجه به تئوری پوتنام^۲ مبتنی بر تغییر رژیم‌های سیاسی و دولت‌ها و اثر آن بر کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی مدنظر قرار گیرد. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده‌بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۷۵). پاتنام در بخش دوم کتاب بولینگ یک نفره به بررسی روند مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی در آمریکا می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که کاهش سرمایه اجتماعی به شکل کاهش مشارکت سیاسی و اعتماد به حکومت، کاهش مشارکت سازمانی فعال و در یک کلام کاهش مشارکت مدنی می‌انجامد. پوتنام بر اعتماد تأکید زیادی می‌کند. از نظر او اعتماد و ارتباط متقابل در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. دولت متمرکز تمامی حوزه‌ها و نهادها را زیر نظر خود دارد و تفویض قدرت صورت نداده است و در تمامی موارد حضور دولت احساس می‌شود که خود می‌تواند باعث کاهش سرمایه اجتماعی گردد؛ درواقع افراد در تمام زمینه‌ها

1. Robert Putnam

2. Putnam' Theory

دولت را مقصر و مسئول می‌دانند و خود مشارکتی در حل امور و مشکلات نمی‌کنند و از طرف دیگر به دلیل سنگین شدن وظایف دولت و مشارکت ننمودن مردم در وظایف شهروندی و سیاسی، دولت نمی‌تواند از عهده انجام وظایف به‌خوبی برآید و در نتیجه با به وجود آمدن مشکلات و نواقصی در انجام امور مختلف، مردم اعتماد خود را به دولت از دست می‌دهند و نسبت به تمام کارهای این دولت بدبین شده و او را از خود نمی‌دانند. در صورتی که در شرایطی که دولت دموکراتیک وجود داشته باشد و نگاه به فرایند دموکراتیزاسیون به مرحله تثبیت رسیده باشد با تفویض قدرت میان بخش خصوصی و مردم، وظایفی که بر عهده دولت است کاهش می‌یابد و دولت تنها در نقش ناظر ایفای نقش می‌کند و کنترل امور را به دست خواهد داشت. در نتیجه انجام کارها با روندی رو به سرعت پیشرفته و در پی آن میزان رضایت مردم و نهایتاً اعتماد آن‌ها به دولت نیز افزایش می‌یابد. در این شرایط شهروندان آن جامعه سعی دارند وظایف و تکالیف شهروندی خود را به بهترین وجه انجام دهند که شرکت در انتخابات، همکاری در انجام و برپایی گردهمایی‌ها، کمک به نهادها و ارگان‌های مختلف برای ایجاد شرایطی برای رفاه بیشتر و ... از جمله این موارد است. از این رو معتقد است که میزان بالای سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف باعث ایجاد یک قدرت جادویی می‌گردد. پاتنام در بحث تأثیر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی معتقد است که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعهد مردم در پرداخت مالیات‌ها و عوارض که رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد، طبیعتاً کارایی حکومت و نهادهای مدنی افزایش می‌یابد. از نظر او عنصر اعتماد باعث تسهیل همکاری می‌شود. هر چه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (Putnam, 2002:139).

روش پژوهش

این تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری می‌گردد. پس از انجام مباحث نظری و تئوریک تحقیق، با استفاده از نمونه‌سازی تحقیق، متغیرهای اصلی پژوهش اندازه‌گیری و با توجه به مقیاس‌های مربوط، ابزار پژوهش تدوین خواهد گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات و ورود داده‌ها به رایانه، با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ و فعالیت‌های آماری توصیفی و تحلیلی مندرج در آن، یافته‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش پیمایشی است تا توصیف و تبیین اطلاعات جمع‌آوری شده در خصوص موضوع تحقیق «بررسی تأثیر اعتماد و

1. spss

مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران در ابعاد امنیتی» بر مبنای آن انجام پذیرد. جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت است از کلیه دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور و از استان‌های تهران، مازندران، کردستان، اصفهان و کرمان. براساس فرمول نمونه کوکران، حجم نمونه آماری این پژوهش ۴۰۰ نفر انتخاب گردید که برای پیدا کردن تعداد نمونه لازم برای تحقیق با استفاده از فرمول کوکران که در آن N تعداد دانشجویان کل و t^2 برابر $3/84$ و S برابر 2.2 و d برابر 0.025 است و بنابراین داریم:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

$$n = \frac{4400000 \times 3,84(2,2)^2}{4400000 \times (0/25)^2 + 3,84 \times (2,2)^2}$$

$$400 = n$$

که تعداد نمونه لازم ۴۰۰ تن به شرح جدول زیر است:

جامعه آماری و نمونه آماری

ردیف	شهر	تعداد نمونه در نظر گرفته شده
۱	سنندج	۸۰
۲	تهران	۱۰۰
۳	اصفهان	۸۰
۴	مازندران	۸۰
۵	کرمان	۸۰
۵	جمع	۴۰۰

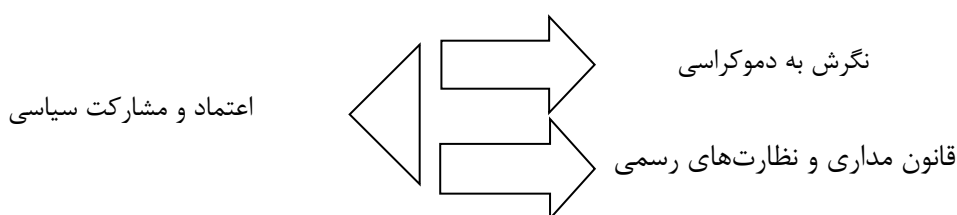
اعتبار و پایایی: مفهوم اعتبار^۱ پاسخ به این سؤال است که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری خصیصه موردنظر را می‌سنجد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). اعتبار پرسش‌نامه تحقیق، از نوع صوری است. منظور از اعتبار صوری، «میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است» (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۸۷). در این پژوهش، پرسش‌نامه از گویه‌های تحقیقات پیشین در این زمینه استخراج شد و همچنین از نظرات دانشجویان استفاده گردید. برای اینکه بدانیم آیا ابزار

1. Validity

سنجش دارای ویژگی تکرارپذیری است یا خیر از پایایی^۱ استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، «اگر» خصیصه موردنظر را با همان روش تحت شرایط مشابه بیش از یکبار اندازه‌گیری کنیم، نتایج تا چه حد مشابه خواهند بود. در این مطالعه نیز برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون (آزمون نهایی) استفاده شده است که در مرحله نهایی، میزان این ضریب برای متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰.۰۰۷ بوده است. به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز در افراد جامعه در این تحقیق، روش تصادفی ساده استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه است. برای سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه، ابتدا تعداد ۴۰ پرسش‌نامه بین نمونه آماری پخش شده و با آزمون‌های آلفای کرونباخ؛ اعتبار پرسش‌نامه سنجیده شد. از این‌رو، ضریب آلفای کرونباخ و مدل تحقیق می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:

گوپه‌ها	نگرش به دموکراسی	اعتماد سیاسی	مشارکت سیاسی
ضریب آلفای کرونباخ	۰.۸۱	۰.۹۵	۰.۸۸

مؤلفه‌های نگرش به دموکراسی، مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی



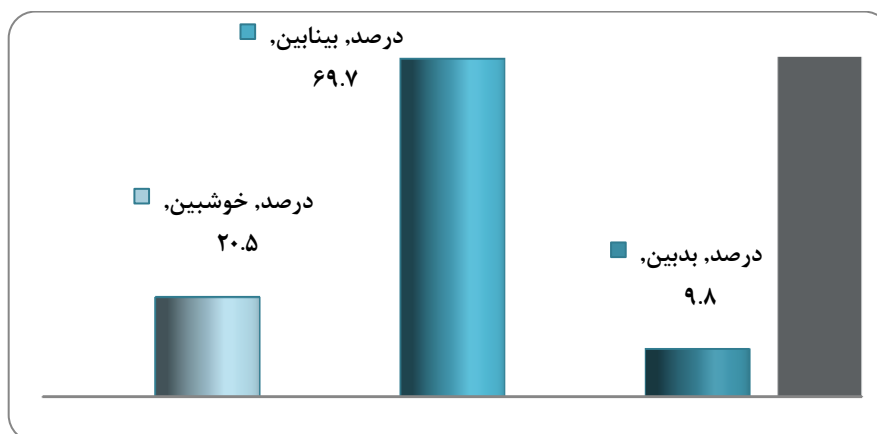
یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی مطرح می‌شود. از نظر توصیفی، نمونه آماری از استان‌های تهران، اصفهان، کردستان، کرمان و مازندران بوده است و بیش‌ترین نمونه قوم فارس (۴۷٪) و کمترین قوم، قوم گیلکی (۱٪) است. در رشته‌های تحصیلی انسانی، فنی-مهندسی، پایه، هنر، پزشکی و کشاورزی است. بیش از ۷۵٪ نمونه‌ها بین گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال است و در چهار مقطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری انتخاب شده‌اند. از نظر تأهل (۷۹٪) مجرد هست. حدود ۸۴٪ افراد هزینه ماهیانه پاسخگویان تا ۵۰۰ هزار تومان است و حدود ۷۰٪ افراد هزینه ماهیانه خانواده آن‌ها از ۶۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان است. حدود ۶۹٪ افراد مدرک تحصیلی پدرشان تا دیپلم است و حدود ۷۹٪ افراد مدرک

تحصیلی مادرشان تا دیپلم است. حدود ۷۰٪ افراد روزنامه مطالعه می‌کنند. بیش‌ترین بخش مورد مطالعه (۳۶٪) سیاسی- فرهنگی و کمترین آن (۱۷٪) بخش ورزشی است. همچنین، از رگرسیون چندگانه به منظور تبیین مجموعه عوامل استفاده شده است. رگرسیون چندگانه روشی آماری است که در آن حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره در این تحقیق در مجموع چند متغیر سن، تأهل، تحصیلات، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و ... در سطح ۰.۰۰۰ معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی مانده‌اند. با توجه به اینکه سه متغیر نگرش به دموکراسی، اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی به عنوان متغیرهای اصلی پژوهش است؛ میزان هر کدام از این متغیرها در بین جامعه آماری به شرح جداول زیر است:

نگرش به دموکراسی

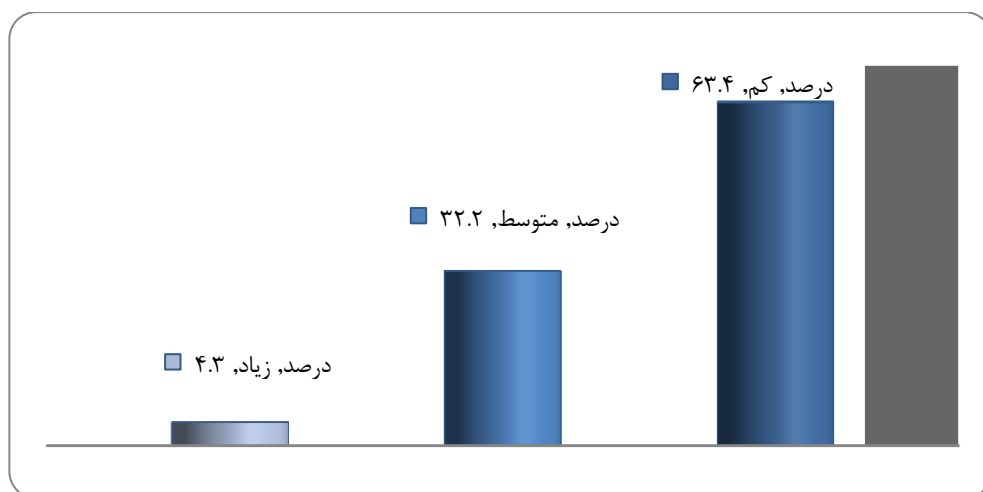
مقدار	بدبین	فراروانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مقدار	بدبین	۳۴	۸.۵	۹.۸	۹.۸
	بینابین	۲۴۱	۶۰.۰	۶۹.۷	۷۹.۵
	خوش‌بین	۷۱	۱۷.۷	۲۰.۵	۱۰۰.۰
	جمع	۳۴۶	۸۶.۱	۱۰۰.۰	
بی جواب	بی جواب	۵۶	۱۳.۹		
جمع		۴۰۲	۱۰۰.۰		



با توجه به جدول بالا، نگرش به دموکراسی ۱۰٪ کم، ۷۰٪ متوسط و ۲۰٪ زیاد است که نشان‌دهنده این است که نگرش به دموکراسی رو به بالا است.

مشارکت سیاسی

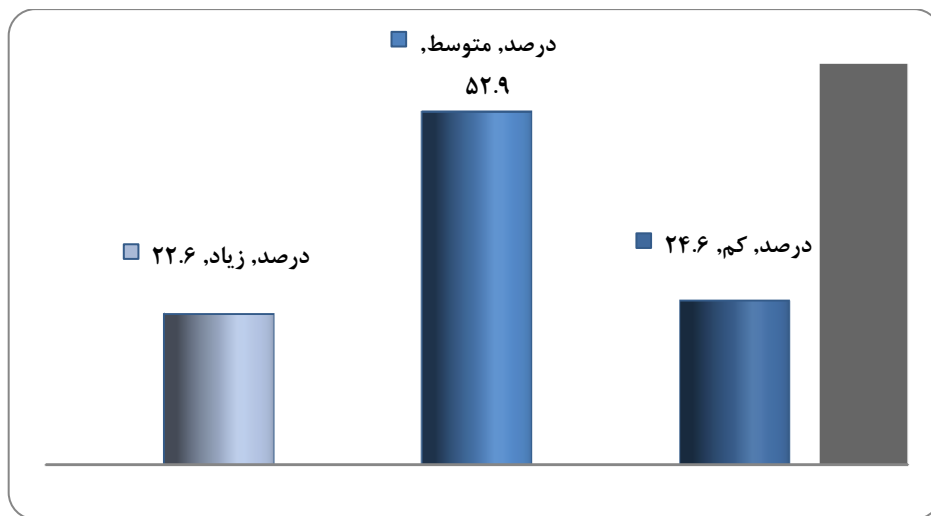
درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی		
۶۳.۴	۶۳.۴	۵۸.۲	۲۳۴	کم	مقدار
۵۹.۷	۳۲.۲	۲۹.۶	۱۱۹	متوسط	
۱۰۰.۰	۴.۳	۴.۰	۱۶	زیاد	
	۱۰۰.۰	۹۱.۸	۳۶۹	جمع	
		۸.۲	۳۳	بی جواب	بی جواب
		۱۰۰.۰	۴۰۲	جمع	



با توجه به جدول بالا، مشارکت سیاسی ۶۳٪ کم، ۳۲٪ متوسط و ۴٪ زیاد است که نشان‌دهنده این است که مشارکت سیاسی خیلی رو به پایین است.

اعتماد سیاسی

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی		
۲۴.۶	۲۴.۶	۲۱.۴	۸۶	کم	مقدار
۷۷.۴	۵۲.۹	۴۶.۰	۱۸۵	متوسط	
۱۰۰.۰	۲۲.۶	۱۹.۷	۷۹	زیاد	
	۱۰۰.۰	۸۷.۱	۳۵۰	جمع	
		۱۹.۹	۵۲	بی جواب	بی جواب
		۱۰۰.۰	۴۰۲	جمع	



با توجه به جدول بالا، اعتماد سیاسی ۲۵٪ کم، ۵۳٪ متوسط و ۲۳٪ زیاد است که نشان‌دهنده این است که اعتماد سیاسی رو به پایین است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسپاس انجام شد. آزمون‌های انجام‌شده سطح زیر ۰/۰۰ معنی‌دار تلقی گردید. پس از آن مطابق فرضیات در نظر گرفته‌شده، برای بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و نگرش به دموکراسی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، دانشگاه آزاد و پیام نور در جمهوری اسلامی ایران در ابعاد آن از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. برای اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نگرش به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران از آزمون رتبه‌ای کوکران استفاده شد. برای تعیین توزیع جامعه نمونه از آزمون کرونباخ استفاده شد. آزمون فرضیات به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد. با توجه به جدول زیر، افرادی که به دموکراسی نگرش مثبت‌تری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان مشارکت سیاسی آن‌ها در حد زیاد است. (نوع نگرش به دموکراسی: ۶۲ درصد بینابین و ۳۹ درصد خوش‌بین). افرادی که به دموکراسی نگرش منفی‌تری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان مشارکت سیاسی آن‌ها در حد کم است. (نوع نگرش به دموکراسی: ۱۳ درصد بدبین، ۷۴ درصد بینابین و ۱۳ درصد خوش‌بین). نشان می‌دهد هرچه افراد میزان مشارکت سیاسی آن‌ها بیشتر باشند نگرش به دموکراسی آن‌ها مثبت‌تر هست.

جمع	نگرش به دموکراسی				
	خوش‌بین	بینابین	بدبین		
٪۱۰۰.۰	٪۱۲.۸	٪۷۴.۴	٪۱۲.۸	کم	مشارکت سیاسی
٪۱۰۰.۰	٪۳۵.۹	٪۵۷.۳	٪۶.۸	متوسط	
٪۱۰۰.۰	٪۳۸.۵	٪۶۱.۵		زیاد	
٪۱۰۰.۰	٪۲۱.۱	٪۶۸.۵	٪۱۰.۴	جمع	

مشارکت سیاسی	نگرش به دموکراسی		
۰.۲۸۹(**)	۱	آزمون پیرسون	نگرش به دموکراسی
۰.۰۰۰	۰	سطح معناداری	
۳۲۷	۳۴۶	N	
۱	۰.۲۸۹(**)	آزمون پیرسون	مشارکت سیاسی
۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری	
۳۶۹	۳۲۷	N	

با توجه به اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، میزان ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل ۰.۲۸۹ است و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۰ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است، از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک تأیید می‌شود و فرض صفر آن رد می‌شود؛ به عبارت دیگر بین مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ آماری رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد. با توجه به جدول زیر، افرادی که به دموکراسی نگرش مثبت‌تری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان اعتماد سیاسی آن‌ها در حد زیاد است. (نوع نگرش به دموکراسی: ۴۴ درصد بینابین و ۵۶ درصد خوش‌بین). افرادی که به دموکراسی نگرش منفی‌تری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان اعتماد سیاسی آن‌ها در حد کم است. (نوع نگرش به دموکراسی: ۳۳ درصد بدبین، ۶۵ درصد بینابین و ۳ درصد خوش‌بین). نشان می‌دهد هرچه افراد میزان اعتماد سیاسی آن‌ها بیشتر باشند نگرش به دموکراسی آن‌ها مثبت‌تر است.

جمع	نگرش به دموکراسی				
	خوش بین	بینابین	بدبین		
%۱۰۰.۰	%۲.۶	%۶۴.۵	%۳۲.۹	کم	اعتماد سیاسی
%۱۰۰.۰	%۱۶.۶	%۷۹.۹	%۳.۶	متوسط	
%۱۰۰.۰	%۵۶.۳	%۴۳.۷		زیاد	
%۱۰۰.۰	%۲۲.۲	%۶۸.۰	%۹.۸	جمع	

اعتماد سیاسی	نگرش به دموکراسی		
۰.۶۲۲(**)	۱	آزمون پیرسون	نگرش به دموکراسی
۰۰۰.۰	.	سطح معناداری	
۳۱۶	۳۴۶	N	
۱	۰.۶۲۲(**)	آزمون پیرسون	اعتماد سیاسی
.	۰۰۰.۰	سطح معناداری	
۳۵۰	۳۱۶	N	

با توجه به اجرای آزمون همبستگی پیرسون، میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با ۰.۶۲۲ است و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۰ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به دست آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک تر است، از این رو می توان نتیجه گرفت که فرض یک تأیید می شود و فرض صفر آن رد می شود؛ به عبارت دیگر بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی بین دانشجویان دانشگاه های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ آماری رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ امنیتی رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول پایین، افرادی که مشارکت سیاسی بالاتری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان اعتماد سیاسی آن ها در حد زیاد است (میزان مشارکت سیاسی: ۴۵ درصد کم، ۴۵ درصد بینابین و ۸ درصد زیاد). افرادی که مشارکت سیاسی پایین تری دارند به افرادی تعلق دارد که میزان اعتماد سیاسی آن ها در حد کم است. (میزان مشارکت سیاسی: ۷۳ درصد کم، ۲۲ درصد متوسط و ۵ درصد زیاد). نشان می دهد هرچه افراد میزان اعتماد سیاسی آن ها بیشتر باشند مشارکت سیاسی بالاتری دارند.

جمع	مشارکت سیاسی				
	زیاد	متوسط	کم		
٪۱۰۰.۰	٪۴.۹	٪۲۲.۰	٪۷۳.۲	کم	اعتماد سیاسی
٪۱۰۰.۰	٪۳.۴	٪۳۰.۰	٪۶۶.۱	متوسط	
٪۱۰۰.۰	٪۷.۹	٪۴۷.۴	٪۴۴.۷	زیاد	
٪۱۰۰.۰	٪۴.۸	٪۳۲.۲	٪۶۳.۰	جمع	

اعتماد سیاسی	نگرش به دموکراسی		
۱۸۴(※※)	۱	آزمون پیرسون	نگرش به دموکراسی
۰	۰	سطح معناداری	
۳۳۲	۳۶۹	N	
۱	۱۸۴(※※)	آزمون پیرسون	اعتماد سیاسی
۰	۰۰۰.۰	سطح معناداری	
۳۵۰	۳۳۲	N	

با توجه به اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، میزان ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با ۰.۱۸۴ است و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۱ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است، ازاین‌رو می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک تأیید می‌شود و فرض صفر آن رد می‌شود؛ به عبارت دیگر بین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ آماری رابطه وجود دارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پاتنام^۱ در بحث تأثیر اعتماد سیاسی بر دموکراسی معتقد است که با افزایش سرمایه اجتماعی و تعهد مردم در پرداخت مالیات‌ها و عوارض که رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد، طبیعتاً کارایی حکومت و نهادهای مدنی افزایش می‌یابد. وی نتیجه گرفته که هر جا سرمایه اجتماعی از میزان بیشتری برخوردار بوده بر کارایی نهادی و حکومت خوب، تأثیر مثبت داشته است. به اعتقاد رابرت پاتنام وجود اعتماد را ایجاد می‌کند که افراد بتوانند با آسودگی خاطر و احساس امنیت به فعالیت و کنش‌های مفید اجتماعی بپردازد. در صورت فقدان اعتماد، نظم اجتماعی

1. Putnam

مختل می‌شود و جریان کنش‌های اجتماعی دچار مشکل می‌گردد. در چنین صورتی فرد قادر نخواهد بود در هیچ یک از ابعاد زندگی‌اش کنش دیگران را پیش‌بینی کند و دائم در این ترس به سر می‌برد که دیگری که در کنش متقابل با آن‌ها هستند احتمال دارد به گونه‌ای عمل کنند که به ضررش تمام شود و یا این که منافعش را به خاطر منافع خود او به خطر اندازد. از چنین فضایی، علاوه بر اینکه هزینه‌های افراد در برقراری ارتباط با دیگران افزایش می‌یابد، با اضطراب و دلهره در کنش‌های اجتماعی وارد می‌شوند. از آنجا که بخش عمده‌ای از اعتماد اجتماعی، در فرایند تعامل روزمره افراد با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و ... شکل می‌گیرد؛ براساس رهیافت تئوریک^۱ زتومکا اعتماد افراد به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی موجب افزایش و ارتقای امنیت مالی و شغلی در میان شهروندان می‌شود. همبستگی معنادار میان اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی و احساس امنیت اجتماعی نظریه‌های پاتنام و زتومکا^۲ را تأیید می‌کند. نتایج مطالعه حاضر نیز معناداری این رابطه را تأیید کرده است؛ در نتیجه این قسمت از نتایج نظریه‌های یادشده، قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است. بدین ترتیب، افزایش اعتماد و مشارکت سیاسی موجب اجرای بیشتر قوانین و مقررات مصوب توسط دولت، حمایت و پشتیبانی از نظام سیاسی و کنشگران، پرداخت به موقع عوارض و مالیات، حضور در صحنه‌های مختلف در زمان نیاز و در کل، دلگرمی و اطمینان خاطر مسئولان از حمایت‌های مورد نیاز و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهدیدات خارجی و تلاش بیشتر در راستای سازندگی و توسعه جامعه نیز حمایت از مواضع کلی دولت، اصل و اساس نظام و مقبولیت قانون اساسی می‌شود و در عوض، کاهش این دو فرایند (اعتماد و مشارکت سیاسی) موجب حمایت و پشتیبانی نکردن مردم از مسئولان، رعایت نمودن قوانین و مقررات (مگر به اجبار)، حمایت نکردن از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر محققین ضمن کاربردی دانستن محتویات نظریات و نتایج یادشده در جمعیت آماری مورد مطالعه، پیشنهادهای زیر را در راستای ارتقای سطح احساس امنیت سیاسی مطرح کرده‌اند:

هرچه اعتماد اجتماعی در بین افراد در جامعه بیشتر باشد احساس امنیت اجتماعی در بین آن‌ها نیز ارتقا می‌یابد. در این زمینه برای بسترسازی اعتماد و به تبع آن افزایش احساس امنیت،

1.Theoretical Approach
2.Putam& Sztompka

معماران فرهنگی و برنامه‌ریزان اجتماعی با تقویت پایه‌های اعتماد بنیادین در بین افراد جامعه می‌توانند اعتماد عام را هم در بین مردم و هم در بین نهادهای خصوصی و دولتی افزایش داده و از این طریق احساس امنیت را نیز تقویت کنند. با توجه به اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، میزان ضریب هم‌بستگی بین مشارکت سیاسی و نگرش به دموکراسی رقمی معادل با ۰.۲۸۹ است و سطح اعتبار به‌دست‌آمده برابر با ۰.۰۰۰ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است، از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک تأیید می‌شود و فرض صفر آن رد می‌شود.

با توجه به اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، میزان ضریب هم‌بستگی بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی رقمی معادل با ۰.۶۲۲ است و سطح اعتبار حاصله برابر با ۰.۰۰۰ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار ۰.۰۵ کوچک‌تر است، از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که فرض یک تأیید می‌شود و فرض صفر آن رد می‌شود؛ به عبارت دیگر بین اعتماد سیاسی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان در ابعاد امنیتی به لحاظ آماری رابطه وجود دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که ایران یک کشور چند قومی است و تحرکات کشور همسایه برای تحریک اقوام به‌خصوص اقوام محروم، از مشکلات دولتمردان است و برای رفع آن باید اعتماد سیاسی افراد جامعه را بالا برد تا بتوان ارزش‌های مشترک را تقویت کرد و با مشارکت دادن آن‌ها در امور ملی کشور و دادن پست‌های کلیدی به نخبگان بدون در نظر گرفتن قومیت آن‌ها، دل‌بستگی اقوام بیشتر می‌شود و به‌نوعی باعث افزایش انسجام اجتماعی و ملی می‌شود. مسئولین باید اعتماد سیاسی را بالا ببرند تا افراد رغبت بیشتری به مشارکت سیاسی پیدا کنند و خود را در قدرت سهیم بدانند و منزوی و سرخورده نشوند. آنچه مشخص شده است اعتماد سیاسی نه‌تنها بر نگرش به دموکراسی، بلکه بر روی سرمایه اجتماعی افراد تأثیر دارد. این را هم بدانیم که اعتماد سیاسی، واقعی نیست و القائات و تبلیغات سوء به اعتماد سیاسی آسیب‌های جدی وارد می‌کند و نیز افراد فکر می‌کنند با انجام کارهای سیاسی آینده بدی در انتظار آن‌ها خواهد بود و در نتیجه منزوی می‌شوند.

منابع

۱. آقاحسینی، علیرضا، محمدی‌فر، نجات، نجفی، داود (۱۳۹۲)؛ بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی. (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان). *مجله توسعه اجتماعی*، اصفهان.
۲. آجرلی، مریم. مشهدی، ژیلا (۱۳۹۲)؛ بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اراک نیمسال اول ۱۳۹۱-۱۳۹۲) *فصلنامه دانش انتظامی مرکزی*، شماره ۳، دوره ۳.
۳. احمدی، یعقوب و ربانی، رسول، نمکی، آزاد (۱۳۹۱)؛ *شاخص‌های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک*. (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران).
۴. اطهری، حسین (۱۳۸۸)؛ تأثیر رهبری امام خمینی. (ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران. *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*.
۵. بُهنر، جرد و وانک، میکائیل (۱۳۸۵)؛ *نگرش‌ها و تغییر آن‌ها*. تهران: جنگل.
۶. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)؛ *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. (م. ت. دلفروز، Trans. Vol. 1). تهران: سلام.
۷. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)؛ *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. (آ. خاک‌باز و ح. پویان، Trans). تهران: شیرازه.
۸. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)؛ کاربرد و نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی، *اولین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۹. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۸۵)؛ *کندوکاوی در ابعاد و گستره مفهوم دموکراسی*. انجمن جامعه‌شناسی ایران ۷. (۲).
۱۰. دوتوکویل، الکسیس (۱۳۸۶)؛ *کارکرد سیاسی اجتماعی سرمایه اجتماعی در دموکراسی مدرن*، تهران: قومس.
۱۱. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)؛ *ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: راهبردی.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۷۸)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوره معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۳. رهبر، عباسعلی (۱۳۹۱)؛ *سرمایه اجتماعی، خمیرمایه جامعه مدنی*، ایران.
۱۴. ساروخانی، باقر و منیژه نوید نیا (۱۳۸۵)؛ امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، *فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲.

۱۵. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۸۲)؛ *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، انتشارات آگه، تهران.
۱۶. شاه‌حسینی، ماهرو (۱۳۸۱)؛ *مطالعه و بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبارگردشی زنان در تهران*. دانشگاه آزاد اسلامی. (واحد علوم و تحقیقات).
۱۷. صادقی شاهدانی، مهدی. مقصودی، حمیدرضا (۱۳۸۹)؛ *سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی. دانش سیاسی*، ۶. (۲)، ۱۳۹-۱۷۶.
۱۸. عبداللهی، محمد، حسین بر. محمدعثمان (۱۳۸۵)؛ *هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران*. (۲۸)، ۳۷-۳۳.
۱۹. عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)؛ *بحران دموکراسی در ایران*. (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲). تهران: البرز.
۲۰. علینی، محمد (۱۳۹۱)؛ *سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، بوستان کتاب قم، قم.
۲۱. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)؛ *سنجش سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی تهران بخشی، شماره ۱۸.
۲۲. غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۵)؛ *سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی، رابطه متقابل یا یک‌سویه*، تهران.
۲۳. کاتوزیان، محمدعلی، همایون (۱۳۸۸)؛ *استبداد، دموکراسی و نهضت ملی در ایران*. تهران: مرکز.
۲۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)؛ *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاث. تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
۲۵. همکاران، ع. آ؛ و (۱۳۵۶)؛ *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳*. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۲۶. محسنی، منوچهر (۱۳۸۳)؛ *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*. (Vol. 1). تهران: شورای فرهنگ عمومی.
۲۷. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ *مشروطه و جمهوری*، ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران. ۲ تهران.
۲۸. موحد، محمدرضا (۱۳۸۳)؛ *دین‌داری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، مجله علوم اجتماعی*، دانشگاه فردوسی مشهد. (۳).
۲۹. ملکی زاده، اکبر (۱۳۷۵)؛ *بررسی نقش اعتماد متقابل مردم و حکومت در توسعه سیاسی*. دانشگاه امام صادق (ع)
۳۰. مؤذن جامی، م. ه (۱۳۸۲)؛ *مقالات علمی: اعتماد پایه امنیت*. (بررسی معنا، ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد). *دانش انتظامی*، ۵. (۱)، ۴۹-۹۵.

۳۱. موسوی، محمد (۱۳۹۱)؛ *مبانی اندیشه سیاسی در اسلام*. تهران: انتشارات پیام نور.
۳۲. نوروزی، فیض‌الله، سارا سپهر فولاد (۱۳۸۸)؛ بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، *راهبرد*، سال هیجده‌ام، شماره ۵۳.
۳۳. وانهانن، تاتو. آقا علی نژاد، علیرضا. رضوی نژاد، حسن (۱۳۷۶)؛ ساخت و کاربرد شاخصی برای دموکراسی. *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۲ (۲)، ۵۰-۶۰.
34. Allard-Tremblay, Y. a. Cruft, R. d. s. & Mulgan, T. d. s. (2012). ***Epistemic Theories of Democracy, Constitutionalism and the Procedural legitimacy of Fundamental Rights***. Unpublished Thesis) Ph. D.), University of St Andrews.
35. Almond, G. A, & Verba, S. (1989). ***The civic culture :political attitudes and democracy in five nations*** ([New ed.] ed). Newbury Park, Calif. London: Sage.
36. Bretzer, Noreen, (2002) ***How can Institutions Better Explain Political Trust Than Capitals Do?*** Phd Thesis, University of Gothenburg Sweden.
37. Birch, A. H. (2000). ***Concepts and theories of modern democracy*** (2nd ed. ed). New York :Routledge.
38. Cohen, C. (1973). ***Democracy***. New York: Free Press; London: Collier-Macmillan.
39. Cunningham, F. (2002). ***Theories of democracy: a critical introduction***. London: Routledge.
40. Dahl, R. A. (1982). ***Dilemmas of Pluralist Democracy: Autonomy vs. Control***. New Haven; London :Yale University Press.
41. Dahl, R. A. (1998). ***On democracy***. New Haven, Conn. London: Yale University Press.
42. 9.Dahl, R. A. Shapiro ,I. & Cheibub, J. A. (2003). ***The democracy sourcebook***. Cambridge ,Mass. London: MIT Press.
43. 10.Giddens, A. & Turner ,J. H. (1987). ***Social theory today***. Cambridge: Polity.
44. 11. Held, D. (2006). ***Models of Democracy*** (3rd ed. ed). Cambridge: Polity.
45. 12.Hoshi-Alsadat, M. (1986). ***Simplifier of Political Science***. Tehran.
46. 13.Jacobs, J. (1961). ***The death and Life of Great American Cities***: Random House.

47. 14.Lipset, S. M. (1995). *The Encyclopedia of Democracy*. London : Routledge.
48. 15.Mehregan, N. Daliri, H. & Shahanavaz, S. (2013). *An Assessment of Social Capital Trend in Iran Provinces*. 24-5, (64)20,20.
49. 16.Putnam, R. (2001). *Social Capital Measurement and Consequences* (Vol. 2). Isuma.
50. 17.Putnam, R. D. (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford; New York: Oxford University Press
51. 18.Reilly, B. (2001). *Democracy in Divided Societies :Electoral Engineering for Conflict Management*. Cambridge :Cambridge University Press.
52. 19.Sharma, J. P. (2006). *Indian Democracy in the Third World*. Delhi: Independent Pub. Co.
53. 20. Sharma, S. L. E. (1986). *Development: Socio-Cultural Dimensions: Seminar*: Selected papers. Jaipur: Rawat.
54. 21.Sharma, S. D. (1999). *Development and Democracy in India*. Boulder, London: Lynne Rienner Publishers.
55. 22.Vanhanen, T. (1984). *The Emergence of Democracy: A Comparative Study of 119 states*, -1979-1850. Helsinki: Finnish Society of Sciences and Letters.
56. 23.Vanhanen, T. (1997a). *Prospects of Democracy: a study of 172 countries*. New York :Routledge.

